

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب سوال

پس پرده همکاری‌های اساسی دفاعی آمریکا و اندونزی

(ترجمه)

سوال:

به تاریخ 13 اپریل 2026م، وزیر جنگ آمریکا و وزیر دفاع اندونزی از ایجاد "مشارکت همکاری‌های اساسی دفاعی MDCP میان آمریکا و اندونزی" خبر دادند. پیش از آن نیز سندی محرمانه از وزارت جنگ آمریکا درز کرده بود که درباره اجازه پرواز گسترده طیاره‌های آمریکایی از حریم هوایی اندونزی سخن می‌گفت. سوال این است که مضمون این توافق‌نامه و پیامدهای آن چیست؟ این توافق تا چه اندازه بر رابطه اندونزی با آمریکا تأثیر می‌گذارد؟ همچنان، تأثیر آن بر رابطه اندونزی با چین تا چه حد خواهد بود؟

جواب:

برای آن که این موضوع واضح گردد، می‌بایست موارد ذیل را مورد بررسی قرار داد:

1- در بیانیه مشترک مورخ 13 اپریل 2026م چنین آمده است: «وزیر جنگ آمریکا و وزیر دفاع اندونزی از ایجاد "مشارکت همکاری‌های اساسی دفاعی MDCP" میان آمریکا و اندونزی خبر دادند...» این بیانیه بر قوت و ظرفیت روابط دفاعی دوجانبه میان آمریکا و اندونزی تأکید می‌کند. همچنان، MDCP در نظر دارد به عنوان یک چارچوب رهنمودی برای تقویت همکاری‌های دفاعی دوجانبه عمل کند. با این اعلام، دو کشور بار دیگر تعهد مشترک خود را نسبت به حفظ صلح و ثبات در منطقه "اقیانوس هند و آرام" مورد تأکید قرار می‌دهند... این مشارکت بر سه محور اساسی استوار است که بر مبنای احترام متقابل و حاکمیت ملی تطبیق می‌گردد: محور نخست: نوسازی نظامی و ظرفیت‌سازی، محور دوم: آموزش و تعلیمات نظامی حرفه‌ای، محور سوم: تمرینات و همکاری‌های عملیاتی.

2- دو روز پیش از صدور بیانیه مشترک، روزنامه هندی "صندای گاردین" در وبسایت خود به تاریخ 12 اپریل 2026م چنین گزارش داد: «یک سند محرمانه از وزارت دفاع آمریکا، از طرحی پرده برداشت که هدف آن تأمین عبور گسترده طیاره‌های نظامی آمریکایی از حریم هوایی اندونزی است؛ این اقدام پس از دیداری که در ماه فبروری میان رئیس‌جمهور اندونزی پرابوو سوبیاننتو و رئیس‌جمهور آمریکا ترامپ در واشنگتن برگزار شد، مطرح گردید و گامی مهم در جهت گسترش نفوذ عملیاتی آمریکا در منطقه "اقیانوس هند و آرام" به‌شمار می‌رود... سوبیاننتو در فاصله 18 تا 20 فبروری 2026م برای اشتراک در نشست شورای صلح (BoP) - «Board of Peace» به واشنگتن سفر کرده بود. در جریان این سفر، وی در دیدار دوجانبه با ترامپ با پیشنهادی موافقت کرد که بر اساس آن، عبور گسترده طیاره‌های آمریکایی از حریم هوایی اندونزی مجاز دانسته می‌شود. این مطالب برگرفته

3- از جزئیات مندرج در یک سند محرمانه آمریکایی درز شده، می‌باشد. (منبع: صندای گاردین، 12 اپریل 2026).

4- این روزنامه به نقل از همان سند محرمانه چنین افزود: «برای عملی‌سازی این تعهد، وزارت جنگ آمریکا سندی تحت عنوان "راه‌اندازی پروازهای آمریکایی بر فراز حریم هوایی اندونزی" (Operationalizing U.S. Overflight) - را به تاریخ 26 فبروری به وزارت دفاع اندونزی ارسال کرده است. این سند پیشنهاد می‌کند که یک تفاهم رسی شکل گیرد که بر اساس آن، اندونزی به طیاره‌های نظامی آمریکا اجازه عبور از حریم هوایی خود را

برای انجام عملیات اضطراری، مأموریت‌های پاسخ به بحران و تمرینات نظامی مورد توافق میان دو طرف بدهد. همچنان در این سند تصریح شده است که: «طیاره‌های امریکایی می‌توانند پس از اعلام قبلی، به‌طور مستقیم از حریم هوایی اندونزی عبور نمایند و این وضعیت تا زمانی ادامه می‌یابد که بعداً از سوی امریکا لغو آن اطلاع داده شود».

5- افزون بر آن، مسئله مهم دیگری نیز وجود دارد که به (ارخبیل) مجمع‌الجزایر پهناور اندونزی مربوط می‌شود؛ مجمع‌الجزایری که از شرق تا غرب بیش از 5000 کیلومتر امتداد دارد و در میان گذرگاه‌های هوایی حیاتی میان اقیانوس هند و اقیانوس آرام قرار گرفته است. همین موقعیت است که این دسترسی را برای واشنگتن به یک امتیاز با ارزش استراتژیک تبدیل می‌کند. حریم‌های هوایی اندونزی یک‌دست و همسان نیستند. بر بنیاد ماده 53 "کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق دریاهای" (UNCLOS) گذرگاه‌های دریایی مشخص شده در مجمع‌الجزایر (ALKI) - یعنی گذرگاه تنگه سوندا و گذرگاه تنگه لومبوک، تنگه مکاسار و گذرگاه دریای آرو - دارای حقوق عبور معینی برای کشتی‌ها و طیاره‌ها می‌باشند و اندونزی نمی‌تواند این حقوق را به حالت تعلیق درآورد. با این حال، این گذرگاه‌ها بیشتر در مسیر شمال به جنوب قرار دارند. در مقابل، مسیرهای عملیاتی امریکا که گوام، فیلیپین، استرالیا و دیگو گارسیا را به هم وصل می‌کنند، عمدتاً در مسیر شرق به غرب امتداد یافته‌اند. بر اساس قانون شماره 37 اندونزی مربوط سال 2002م، این مسیرها هنوز جزو گذرگاه‌های رسمی مجمع‌الجزایری تعیین شده از سوی اندونزی به‌شمار نمی‌روند. در همین‌جا نقطه خطر این توافق‌نامه آشکار می‌گردد؛ زیرا این توافق، عملاً حق دسترسی از مسیرهای شرق به غرب را فراهم می‌سازد، مسیرهایی که امریکا از مدت‌ها پیش به آن‌ها علاقه‌مند بوده است. چنان‌که وزارت خارجه امریکا در گزارش سال 2014م خود تحت عنوان "مرزهای دریایی" تصریح کرده بود که این مسیرها باید بر بنیاد حقوق بین‌الملل باز باشند.

6- افزون بر آن، اصطلاح "مدیریت بحران‌ها" به‌گونه‌ای عام تعریف شده که می‌تواند هم شامل کمک‌های بشردوستانه باشد و هم بسته‌های حملات نظامی را در بر گیرد. همچنان، "عملیات اضطراری" می‌تواند هر چیزی را در بر بگیرد؛ از هماهنگی کمک‌رسانی در زمان حوادث طبیعی گرفته تا عملیات در بحیره چین جنوبی یا حتی فراتر از آن.

بر این اساس، در چارچوب نظام و سیستم "دسترسی همه‌جانبه" یا "دسترسی گسترده هوایی"، اندونزی عملاً قادر نخواهد بود میان این نوع عملیات‌ها بر اساس هر پرواز به‌گونه مؤثر تمایز قایل شود. اگر یک طیاره امریکایی از حریم هوایی اندونزی عبور کند و به‌سوی اجرای یک عملیات نظامی علیه کشور ثالثی در حرکت باشد، جاکارتا -چه بخواهد یا نخواهد، و چه از قبل آگاه ساخته شود یا نشود- به یک واسطه تبدیل می‌گردد. در چنین حالتی، کشور ثالث به جزئیات بندهای توافق و به نیت اندونزی از انعقاد این توافق، توجهی نخواهد داشت، بلکه سرزمین اندونزی را به‌عنوان گذرگاه عبور نیروهای امریکایی تلقی خواهد کرد.

7- اما در مورد موضع چین نسبت به این سند محرمانه و معاهده همکاری دفاعی میان امریکا و اندونزی، روزنامه "گلوبال تایمز" که یک رسانه ملی وابسته به ارتش آزادی‌بخش خلق چین به‌شمار می‌رود. در صفحه خود در (X) چنین گزارش داد: «هنگامی که از سخنگوی وزارت خارجه چین، گو جیاکون، خواسته شد درباره بررسی اندونزی نسبت به پیشنهاد اعطای مجوز پرواز به ارتش امریکا بر فراز قلمرو این کشور و نیز روابط نظامی میان واشنگتن و جاکارتا اظهار نظر کند. وی در روز جمعه 17 اپریل 2026م گفت: «منشور "اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا، آسه‌آن" و "پیمان دوستی و همکاری در جنوب شرق آسیا" به‌صراحت بیان می‌دارند که کشورهای عضو، مسئولیت مشترک در تقویت صلح، امنیت و رفاه منطقه‌ای دارند و نباید در هیچ سیاست یا فعالیتی "از جمله استفاده از سرزمین‌های شان" مشارکت کنند که حاکمیت کشورهای عضو و تمامیت ارضی آن‌ها را تهدید نماید» و در ادامه چنین افزود: «ما به‌گونه قاطع باور داریم که همکاری‌های دفاعی و امنیتی میان کشورها نباید منافع هیچ طرف ثالثی را هدف قرار دهد یا به آن آسیب برساند، و همچنان نباید بر صلح و ثبات منطقه‌ای تأثیر منفی بگذارد».

8- در منطقه "اقیانوس هند و آرام"، کشورهای چون جاپان، کوریای جنوبی، فیلیپین، تایلند و استرالیا با امریکا پیمان‌های دفاع مشترک دارند؛ امری که به این معناست که امریکا در صورت تعرض به یکی از این شرکا، متعهد به دفاع از آن خواهد بود. در عین حال، سنگاپور همچنان از

نزدیک‌ترین شرکای امنیتی واشنگتن در جنوب شرق آسیا به‌شمار می‌رود، هرچند به‌صورت رسمی متحد معاهده‌ای آن نیست. بر اساس "توافق چارچوب استراتژیک 2005م"، آمریکا سنگاپور را به‌عنوان یک شریک اصلی در همکاری‌های امنیتی به رسمیت شناخته است. همچنین در سال 2015م، "توافق همکاری دفاعی تقویت‌شده مشترک" را امضا کردند که حوزه‌های همکاری در امنیت زیست محیطی، دفاع سایبری، کمک‌های بشردوستانه، امدادسانی در حوادث طبیعی و ارتباطات استراتژیک را مشخص می‌سازد. (منبع: قنایه‌آنها آسیا، 20 اپریل 2026م).

9- با دقت بیشتر در مضمون معاهده MDCP، موارد ذیل برجسته می‌گردد:

الف- این معاهده عملاً راه را برای نفوذ بیشتر آمریکا در عرصه دریایی هموار می‌سازد و زمینه افزایش تسلط بر تنگه مالاکا را فراهم می‌کند؛ تنگه‌ای که یک گذرگاه حیاتی دریایی برای اندونزی در تعامل با کشورهای همجوار، به‌ویژه مالیزیا و سنگاپور، به‌شمار می‌رود. این وضعیت به معنای تقویت تسلط آمریکا بر تنگه مالاکا است؛ گذرگاهی که از مهم‌ترین مسیرهای جهانی در تجارت و انتقال انرژی محسوب می‌شود.

تنگه مالاکا در عین حال شریان حیاتی انرژی برای چین، جاپان و کوریای جنوبی نیز به‌شمار می‌آید. برای درک اهمیت موضوع، باید دانست که بخش عمده واردات نفت خام و گاز چین از همین گذرگاه باریک میان اندونزی، مالیزیا و سنگاپور عبور می‌کند. در این چارچوب، آمریکا در سال‌های اخیر به‌گونه شتاب‌زده در پی بستن این خلأ استراتژیک برآمده است، و این‌که چنین تحولی در دوره ریاست جمهوری ترامپ رخ می‌دهد، امری تصادفی به‌نظر نمی‌رسد.

ب- این توافق‌نامه عملاً زمینه را برای فراهم‌سازی، و حتی ایجاد، تأسیسات همه شمول ترمیم، نگهداری و نوسازی تجهیزات نظامی آمریکا در اندونزی هموار می‌سازد؛ به‌ویژه در بخش کشتی‌های جنگی. در بیانیه مشترک مربوط به MDCP به‌صراحت بر همکاری در حوزه "نگهداری، ترمیم و نوسازی" به‌منظور ارتقای آمادگی عملیاتی تأکید شده است. شایان ذکر است که آمریکا پیش‌تر نیز علاقه‌مندی خود را برای ایجاد چنین پایگاه دریایی در منطقه بیتونگ، واقع در شمال سولاوسی، به‌منظور ترمیم و نگهداری کشتی‌های جنگی اش ابراز کرده بود.

ج- این توافق، یک نظام مبتنی بر "اخطار" (صرفاً اطلاع‌دهی) را به‌جای صدور مجوز بر اساس هر مورد به‌طور جداگانه نهادینه می‌سازد؛ امری که به‌گونه چشم‌گیر محدودیت‌های اجرایی بر حرکت نیروهای نظامی آمریکا را کاهش می‌دهد. همچنان، این توافق میکانیزم‌های هماهنگی را تعریف می‌کند که شامل ایجاد یک خط تماس مستقیم میان نیروهای هوایی آمریکا در منطقه "اقیانوس هند و آرام" و مراکز عملیات هوایی اندونزی است، در کنار کانال‌های موازی دیپلماتیک و نظامی. این "اطلاع‌دهی" یعنی صرف اعلام عبور بدون نیاز به اخذ مجوز برای هر مورد، عبور طیاره‌های نظامی آمریکایی از حریم هوایی اندونزی را آسان و بدون تأخیر می‌سازد؛ موضوعی که از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است، به‌ویژه برای دسترسی طیاره‌های آمریکایی از پایگاه‌شان در داروین استرالیا به سمت چین و تایوان، از مسیر حریم هوایی اندونزی، و سپس تا فیلیپین و جاپان.

د- این توافق‌نامه بیانگر تحولات قابل توجه در روابط میان اندونزی و آمریکا در جریان سال جاری نیز می‌باشد، از جمله:

اول: مشارکت اندونزی در "شورای صلح" به رهبری آمریکا تحت رهبری ترامپ: اندونزی آمادگی خود را برای اعزام 8 هزار سرباز به مأموریت موسوم به صلح در غزه اعلام کرد... اندونزی نخستین کشوری به‌شمار می‌رود که به‌صورت رسمی تعهد سپرد نیروهایی را در چارچوب تلاش‌های "شورای صلح" که از سوی ترامپ برای غزه راه‌اندازی شده است، اعزام کند؛ در حالی که آتش‌بس میان رژیم یهود و حماس از تاریخ 10 اکتوبر گذشته، پس از دو سال جنگ ویران‌گر، همچنان برقرار مانده است. (منبع: RT، 16 فبروری 2026)

دوم: در همان ماه، توافق‌نامه "تجارت دوطرف" میان آمریکا و اندونزی نیز به امضا رسید: اندونزی و آمریکا یک توافق‌نامه تجارتي را منعقد کردند که هدف آن کاهش تعرفه‌های گمرکی آمریکا بر کالاهای اندونزی از 32 درصد به 19 درصد است. در مقابل، جاکارتا امتیازات گمرکی به‌دست آورد

که شامل روغن نخل، به‌عنوان مهم‌ترین کالای صادراتی این کشور و شماری دیگر از کالاها می‌شود. این توافق‌نامه پس از ماه‌ها مذاکره، در واشنگتن میان وزیر اقتصاد اندونزی، ایرلانگا هارتارتو و نماینده تجارتي امريکا، جيميسون‌گريپر، به امضا رسيد. در مقابل، اندونزيا متعهد شد موانع گمرکي را بر اکثر محصولات امريکايي در تمامی بخش‌ها حذف کند. همچنان، جاकारتا موافقت کرد اقداماتي را عليه شرکت‌های خارجي اتخاذ نمايد که به منافع تجارتي امريکا آسیب می‌رسانند و زمينه را برای سرمايه‌گذاري‌های امريکايي در بخش معادن حياتي و منابع انرژی تسهيل کند؛ آن‌هم از طريق همکاری با شرکت‌های امريکايي برای تسريع توسعه سکتور "عناصر کيمياي زميني". در همین چارچوب، رئيس جمهور اندونزيا، پرابوو سوبيانتو، به واشنگتن سفر کرد تا روند نهاي‌سازي این توافق‌نامه را تکميل کند و در نخستين نشست رهبران "شورای صلح امريکايي-اندونزيائي" اشتراک نمايد. وی همچنين همراه با ترامپ سندی را تحت عنوان "اجرای توافق‌نامه‌ای به‌سوی یک عصر طلایی جديد برای اتحاد امريکايي/اندونزيائي" امضا کرد؛ سندی که کاخ سفيد اعلام داشت موجب تقويت امنيت اقتصادي و رشد برای هر دو کشور خواهد شد. (منبع: الشرق الأوسط، 20 فبروری 2026).

سوم: روزنامه هندی "صندای گاردین" در وبسایت خود به تاریخ 12 اپریل 2026م فاش ساخت: «یک سند محرمانه از وزارت دفاع امريکا، از طرحی پرده برداشته که هدف آن تأمین عبور گسترده طیاره‌های نظامی امريکايي از حریم هوایی اندونزيا می‌باشد؛ این طرح در پی دیداری که در ماه فبروری میان رئيس جمهور اندونزيا، پرابوو سوبيانتو و رئيس جمهور ترامپ در واشنگتن برگزار شد، مطرح گردیده و گام مهم در جهت گسترش نفوذ عملیاتی امريکا در منطقه «اقیانوس هند و آرام» به‌شمار می‌رود...» این موارد بر بنیاد جزئیاتی است که در یک سند محرمانه امريکايي درج گردیده است (صندای گاردین، 12 اپریل 2026).

چهارم: امضای توافق‌نامه MDCP که در بالا به تفصیل توضیح داده شد. در بیانیه مشترک مورخ 13 اپریل 2026م چنین آمده است: «وزیر جنگ امريکا و وزیر دفاع اندونزيا از ایجاد، مشارکت همکاری‌های اساسی دفاعی (MDCP) میان امريکا و اندونزيا خبر دادند... این مشارکت بر سه محور اساسی استوار است: (1) نوسازی نظامی و ظرفیت‌سازی؛ (2) آموزش و تعلیمات نظامی حرفه‌ای؛ (3) تمرینات و همکاری‌های عملیاتی.»

این چهار بند، واقعیت روابط میان اندونزيا و امريکا را به روشنی بیان می‌دارد و آنچه که در کتاب "مفاهيم سياسية - قضیة الشرق الأقصى/مفاهيم سياسی - قضیة شرق دور" ص 158-159 آمده است را مورد تأیید می‌کند؛ در این صفحات چنین آمده است: «پس از آن‌که امريکا موفق شد هالند را از اندونزيا بیرون کند، کوشید خود جای آن را بگیرد؛ اما اندونزيائي‌ها سال‌های طولانی در برابر آن مقاومت کردند و نپذیرفتند که یک استعمار را بیرون کنند تا استعمار دیگری داخل شود. از همین‌رو، امريکا شروع به ایجاد مانع در برابر اندونزيا کرد و در داخل آن به راه‌اندازی شورش‌های داخلی دست زد... در نتیجه این فشارها، حکام اندونزيا زیر فشار تسلیم شدند و قرضه‌های امريکايي و کمک‌های نظامی آن را پذیرفتند؛ در پی آن، اندونزيا زیر نفوذ امريکا قرار گرفت و از زمان سوکارنو به‌عنوان یکی از تابعان امريکا به‌شمار رفت... بدین‌گونه، امريکا بر این کشور مسلط گردید، به‌ویژه از رهگذر تسلط بر اردو و اقتصاد آن، و این وضعیت تا امروز ادامه یافته است.»

همچنان، پیش‌تر در جواب سوال تاریخی 11 نومبر 2024م، پس از انتخاب رئيس جمهور کنونی، چنین گفته بودیم: «با دقت در آنچه گذشت، روشن می‌شود که رئيس جمهور جديد اندونزيا، پرابوو سوبيانتو، از زمان اعلام پیروزی‌اش در انتخابات به تاریخ 20 مارچ 2024م تا مراسم تحلیف در 20 اکتوبر 2024م و حتی پس از آن، بر همان مسیر پیشینیان خود حرکت کرده است؛ بلکه وابستگی‌اش به امريکا بیشتر نیز شده و نفوذ امريکا همچنان عامل مسلط در اندونزيا باقی مانده است.» بدین‌ترتیب، اندونزيا به سرزمینی تبدیل شده که در چارچوب نفوذ امريکا عمل می‌کند... در حالی‌که اندونزيا، به‌عنوان سرزمین بزرگ از نظر موقعیت جغرافیایی و جمعیت و مهم‌تر از همه با برخورداری از اسلام عظیمی که سراسر آن سرزمین را دربرگرفته است، این توانایی را دارد که با تطبیق اسلام در تمامی شئون زندگی و از طریق اقامهٔ خلافت راشده، بر جهان تأثیر بگذارد و خیر را در سراسر آن گسترش دهد... و از این طریق، الله سبحانه و تعالی را با ادای این فریضه بزرگ راضی سازد. در غیر این صورت، رژیم اندونزيا

همچنان در بند امریکا باقی خواهد ماند، تابع آن خواهد بود و بر اساس اوامر و نواهی آن عمل خواهد کرد. در نتیجه، دنیا و آخرت خود را از دست خواهد داد، و این همان زیان آشکار است.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾

ترجمه: قطعاً در این (سخن) پندی است برای کسی که قلبی (بیدار) داشته باشد، یا گوش فرا دهد در حالی که (با تمام وجود) حاضر و آگاه است.

امیر حزب التحریر، عالم جلیل القدر، عطاء بن خلیل ابوالرشته

مترجم: محمد علی مطمئن